

یادداشتی درباره کاغذ خام

فرزاد ضیایی حبیب‌آبادی*

در کتاب کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی تألیف استاد شادروان ایرج افشار، ذیل «کاغذ خام» (ص ۵۸) آمده است:

اصطلاح دیگر برای کاغذهای پست و زبر نامرغوب که کاغذ قند و کاغذ عطاری و کاغذ دوا بدان گفته شده است. ابن‌یمین آن را در مقابل «کاغذ پخته» آورده و گفته است: کاغذ خام شکر پیچ بود کاغذ پخته بود معنی پیچ

(دیوان، ص ۳۶۱)

و در ذیل «کاغذ قند» علاوه بر صفات «زبر و نامرغوب»، نوشته‌اند: «معمولاً کبود رنگ بوده است [...]». و سپس شواهدی ارائه فرموده‌اند. استاد افشار در باب «کاغذ عطاری»، صفات «بی مصرف یا نامرغوب» را ذکر کرده و بدون استشهاد به متون نظم و نثر، به شواهد «کاغذ دوا» ارجاع داده‌اند. ضمناً توضیحات ایشان در مورد «کاغذ دوا» چنین است:

سرمه و وسمه و دارو و شکر و زعفران و کافور و توتیا و حنا و هرگونه ادویه سائیده را در آن می‌پیچیده‌اند و بدان کاغذ عطاری هم گفته می‌شده است. همانند است با «کاغذ حلوا» [...] (ص ۶۰).

و سرانجام در مورد «کاغذ حلوا» نیز صفات «بی مصرف، زبر و خشن» را بر شمرده‌اند (ص ۵۷).

باری، غرض از نگارش این یادداشت، دستاویزی بود برای یادکردی دیگر از آن استاد یگانه، تا این شماره از مجله گرامی گزارش میراث نیز از نام و یاد ایشان خالی نباشد. و اما آن دستاویز را در بیتی از امیر خسرو دهلوی یافتیم؛ آنجا که سخن از «ورق خام» به میان آورده و ویژگی‌ای را برای آن ذکر می‌کند که در کتاب «کاغذ...» استاد افشار، اشارتی بدان نرفته است. شاید این ویژگی، «کاغذ پژوهان» را به کار آید. امیر خسرو گوید:

راز خون‌آلود خود ای دل مده دامن برون [کذا]

کاین ورق خام است و حرف از وی برون خواهد گذشت

پس در این بیت، خصوصیت کاغذ خام، به تعبیر امروز، این است که «مُرکب را پس می‌دهد» یعنی مرکب به پشت کاغذ

سرایت می‌کند.

اکنون که از «کاغذ خام» فارغ شدیم، یادکرد این نکته نیز شاید بی‌فایده‌تی نباشد که استاد افشار در ذیل «کاغذ قند» (ص ۶۷) نوشته‌اند:

کاغذ زبر و نامرغوب که مخصوصاً کله قند در آن می‌پیچیدند [...] قدیم‌تر از همه گفته سعدی شیرازی است:

نه قندی که مردم به ظاهر خورند

که ارباب معنی به کاغذ برند

(بوستان، چاپ یوسفی، ص ۳۷)

اما «کاغذ»ی که در این بیت مطرح شده، «کاغذ قند» نیست. سعدی در دو بیت پیش از این، در سبب نظم کتاب، گفته:

به دل گفتم از مصر قند آورند

بر دوستان ارمغانی برند

مرا گر تهی بود از آن قند دست

سخن‌های شیرین‌تر از قند هست

سپس می‌گوید:

نه قندی که مردم بظاهر خورند

که ارباب معنی به کاغذ برند

پس قندی که مردم به ظاهر می‌خورند، همان است که از مصر می‌آورند و بر دوستان ارمغانی می‌برند و دست سعدی از آن تهی است. اما آنچه «ارباب معنی» به «کاغذ» می‌برند، کله قند نیست که کاغذپیچ شده باشد، بلکه همان سخن‌های شیرین‌تر از قند سعدی است که البته بر روی کاغذ نوشته می‌شده و دست‌به‌دست می‌گشته است. توضیحات شادروان دکتر یوسفی (همان، ص ۲۱۸) نیز گویای همین معنی است. آرامش مینوی نصیب هردو باد.

منابع:

– کاغذ در زندگی و فرهنگ ایرانی، ایرج افشار، چاپ اول، تهران:

مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۰.

– دیوان امیر خسرو دهلوی، با مقدمه و اشراف محمد روشن، چاپ

دوم، تهران: نگاه، ۱۳۸۷.

* پژوهشگر متون کهن فارسی.

